

جایگاه کمیت در معماری

پای صحبت دکتر نادر روزرخ مترجم دایره المعارف معماری جهان

در شروع بحث، ابتدا تکلیف همه چیز را روشن می‌کند: «جایگاهی که من از آن موضع، راجع به معماری صحبت می‌کنم، جایگاه کمیت در معماری است» و ادامه می‌دهد: «معماری را می‌توان به دو مبحث کمی و کیفی تفکیک کرد، مجموعه‌ای از اطلاعات که باعث ایجاد یک پروژه معماری می‌شوند اگر قابل سنجش باشند، کمیت‌ها هستند و اگر از روی درک حسی مشخص شوند، کیفیت نام دارند. سالیان درازی است که بحث کمیت در معماری مطرح شده و اگر بنده امروز در این جا هستم در واقع دنباله این کوشش‌ها را به سهم خودم مطرح می‌کنم تا شاید نتیجه این تلاش‌ها که توسط مجموعه‌ای از محققان معماری صورت گرفته، باعث شود که در آینده کشور، این حرفه جایگاهی واقعی خودش را بیابد» و قبل از هر گونه ارزیابی شتاب‌زده‌ای اضافه می‌کند: «اگر ما معماری را فقط برای معماری در نظر بگیریم حاصل یک کار انتزاعی است که شاید برای محافل داخلی به درد بخورد. بنابراین نمی‌کنم که این مباحث به شکل انتزاعی‌اش انجام شود ولی آنچه مسلم است، در جامعه امروز به علت شدت نیاز مردم به یک زندگی خوب و درخور شان، ما حرفه‌مندان معماری باید تلاش کنیم که در جهت این هدف گام برداریم.»

اساس کار دکتر روزرخ این گونه است که: «در ترجمه کتاب دایره‌المعارف معماری جهان، نوشته معمار سوئیسی هانری استلن، من سعی کردم که نشان بدهم یک دید سیستماتیک کمی هم در معماری است و باید آن را در تجربیات گذشتگان مورد تشخیص و تحلیل و نقد قرار داد. استفاده کردن از معماری سنتی در بحث معماری امروزی، نیازمند مستندسازی کلیه آثار معماری کشور است، یعنی حرکتی ضروری و لازم این مبحث پایه‌ای برای تمام تحلیل‌های بعدی ما قرار خواهد گرفت. اما متأسفانه در کشورمان در بخش بررسی علمی آثار معماری سنتی ضعیف عمل کرده‌ایم و طبیعتاً حجم زیادی از تحلیل‌هایی که روی این بناها انجام شده است بدون آگاهی‌های کافی بوده و یا صرفاً با بسنده کردن به روش قیاس انجام گرفته است. البته در جاهایی که اطلاعات کافی نیست و دسترسی امکان ندارد راهی جز قیاس باقی نمی‌ماند اما در صورت وجود مرجع چه؟»

تا این جای مصاحبه هنوز به دنیای او راه نیافته بودیم، دنیای اعداد و ارقام! تا اینکه حرف به این جا کشید: «من طرحی را چند وقت پیش با همکاری سازمان نظام مهندسی استان تهران، انجمن‌های صنفی مهندسی صنعت ساختمان در تهران و انجمن فارغ‌التحصیلان معماری دانشگاه تهران مطرح کردم که بر اساس آن رלוوه کردن (کشیدن نقشه از روی بنای ساخته شده) ساختمان‌های سنتی را برای مجموعه حرفه‌مندان معماری اعم از فارغ‌التحصیل و دانشجو اجباری کنیم. من محاسبه کردم (کار من حساب و کتاب است) که این کار در مورد 20 هزار اثر معماری کشور ظرف 5 سال رلووه می‌شوند مشروط بر اینکه دانشجویان معماری در مقاطع مختلف و 400 مهندس مشاور تأیید صلاحیت شده در کار همت کنند. بعد از گذشت 4 دوره 5 ساله تمام این رلووه‌ها بررسی و مشخصاتش استخراج می‌شود، یک کار سیستماتیک که کل کشور را از نظر معماری مورد شناسایی قرار می‌دهد، پس مشکل کجاست؟»

می‌پرسیم: واقعا مشکل کجاست؟ دکتر پاسخ می‌دهد: «رویکرد ما در مملکتمان این است که حتماً سازمانی باید ایجاد شود و وظیفه این کار را بر عهده بگیرد در حالی که در کشورهای دیگر این کارها انجام شده است» و بعد به عنوان نمونه کشور آمریکا را مثال می‌زند: «دولت آمریکا هیچ وقت نمی‌آید اقدام به تهیه و تدوین مبانی طراحی معماری کند، مکانیزم در آن جا به این شکل است که انجمن صنفی (در این مورد به خصوص AIA) از 40 پرفسور در زمینه معماری دعوت کرده و کاربری‌ها را بین آنها توزیع کرده است .

در نتیجه هر کس تحقیقات انجام داده و چکیده نظریاتش توسط همین انجمن صنفی در مجموعه‌ای به دولت ارائه شده تحت عنوان پایه‌های معماری آمریکا. دولت نیز این مجموعه را با در نظر گرفتن سه اصل امنیت ملی، بهداشت

ملی و بحثی در مورد صنعت مورد ارزیابی قرار داده نتیجه گرفتند هیچ ضرری برای جامعه نداشته اگر آنها را پذیرفته و الان این مبانی طراحی شده به صورت قانون درآمده است.»

می‌پرسیم: پس دولت در مقام تولید نیست؟ و دکتر پاسخ می‌دهد: «دولت در مقام نظارت و تایید است. اما در قانون نظام فنی اجرایی کشور ما یا دولت در مقام تولید علم در نظر گرفته شده و یا واژه‌های قانون در حوزه واگذاری ضعیف است. انجمن‌های صنفی ما به جای تولید، مدام با هم دعوا می‌کنند یعنی به جای کاری که باید انجام دهند، کاری که نباید را انجام می‌دهند.»

می‌پرسیم: شاید دلیلی که ما این کنکاش و جست‌وجو را نداریم به خاطر این باشد که نمی‌دانیم پس از این تلاش چندساله چه چیزی عایدمان می‌شود؟

و دکتر پاسخ می‌دهد: «حداقل یک دایره‌المعارف معماری کشور در ایران تهیه می‌شود و تمام محققین داخلی و خارجی، هر ساختمانی را که از میدان نقش جهان اصفهان تا فلان آب‌انبار در یزد بخوانند، کاملاً می‌توانند به شواهد و مدارک آن دسترسی داشته باشند، بدون اینکه تحلیلی در کنار آن ارائه شود. آن بحثی که در ابتدای صحبت راجع به ترجمه کتاب هانری استلن انجام دادم اینجا واضح‌تر می‌شود، در این کتاب یک بنا رلووه شده و با دقت زیادی مورد بررسی قرار گرفته در نهایت تحلیل‌های بعدی روی این داده‌های اطلاعاتی سوار می‌شوند. چرا که در یک فعالیت علمی، پایه و اساس کارها، داده‌های آماری است و این نقطه ضعف ما در معماری است، ما وضع خودمان را شناسایی و ثبت نکرده‌ایم تا بتوانیم آن را تحلیل کنیم، می‌دانم سازمان میراث فرهنگی حتماً به این حرف ایراد می‌گیرد و می‌گوید مدارکی دال بر شناسایی آثار معماری ایران هست، اما من می‌گویم اگر اطلاعات خامی هست، خروجی آن اکنون باید روی میز باشد. کافی است به کتابخانه ملی سری بزنید و متوجه شوید هیچ کتابی که کل آثار معماری ایران در آن باشد نیست!»

و ادامه می‌دهد: «لزوم مستندسازی اطلاعات معماری مساله‌ای است که باید در فرهنگ‌سازی آن کوشید و روزنامه شما از این منظر رسالت عظیمی به عهده دارد. در صورت انجام این کار می‌توانیم امیدوار باشیم که محققین ما، تحقیقاتشان را بر مبنای اطلاعاتی صحیح ارائه بدهند چرا که این اطلاعات هستند که تحلیل‌ها را به وجود می‌آورند. من معتقد هستم اگر به معماری با دید رویایی و سمپاتیک نسبت به آثار و تجربیات گذشته نگاه کنیم به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیم غیر از تکرار شکسته پاره چیزهای ظاهری (مثل قوس‌ها که محصول تفکری خاص در معماری غربی بوده ولی اکنون بی‌هیچ پشتوانه علمی دارد در ایران تکرار می‌شود) از این منظر هیچگاه نمی‌توان معماری کشور را شناسایی کرد و از دستاوردهایش بهره گرفت. دید کمی به معماری، وضوح این مطلب را بیشتر می‌کند و می‌توان دانشجویان را نیز ترغیب به تدوین این شناسایی‌های کمی کرد، به این صورت که شرط فارغ‌التحصیلی دانشجویان معماری، شناسایی کامل یکی از آثار معماری کشور و تدوین و ارائه آن باشد.»

قبلاً شنیده‌ایم که دکتر روزرخ در تدوین ضوابط یا معیارهای فنی طراحی معماری ایران (مبانی طراحی معماری) نیز کارهایی کرده و توضیحات بیشتر را به عهده خودش می‌گذاریم: «در بحث کمیت، یکی از کاربری‌های عمده‌ای که در معماری هست آموزش عالی است. بیش از 30 دانشگاه دولتی و چندین دانشگاه آزاد داریم که سالانه در دانشگاه‌های دولتی حدود 300 هزار دانشجو پذیرش می‌شوند و در دانشگاه آزاد نیز کمی بیشتر از این مقدار، پس یکی از اقلام عمده ساختمان‌های عمومی کشور، ساختمان‌های دانشگاهی است. اما فقط اسم این ساختمان‌ها دانشگاه است، معماری آنها اصلاً چنین تعریفی ندارد. در فضاهای دانشگاهی باید استانداردی داشته باشیم اما متأسفانه هیچگونه کار مستندی در این حوزه انجام نشده و به‌رغم تمام کوشش‌های پراکنده آموزش عالی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، هنوز چیزی به عنوان معیارها یا مبانی طراحی فضاهای آموزشی وجود ندارد. من در یک محاسبه نشان دادم که در شرایط کنونی فضاهای دانشگاهی ما کافی است ولی از نظر کیفیت دچار مشکل است. به عنوان مثال دانشگاهی 150 هکتار زمین داشت که تنها 30 هکتار آن شکل گرفته و ساخته شده بود و این دانشگاه 3000 دانشجو در خود جای می‌داد اما می‌خواست توسعه پیدا کند. خیلی از مهندسان مشاور برای این مساله

مطرح بودند اما وقتی که من آنجا را بررسی کردم دیدم که فقط با ساخت 20 هکتار از 120 هکتار باقی‌مانده می‌توان تمام نیازهای دانشگاه را رفع کرد، بقیه زمین‌ها را به شهر پس داد و از پول دیوارکشی 100 هکتار زمین (که برابر با ساخت یک دانشکده علوم در همان دانشگاه بود) جلوگیری کرد. آموزش عالی ما دیگر از نظر ساختمان پیشرفت نمی‌کند، بلکه از طریق سیستم‌های آموزش جدید، ماهواره و ... پیشرفت می‌کند. بعد از این تجربه مبانی طراحی معماری ادارجات و بعد از آن مبانی طراحی معماری ساختمان‌های تامین اجتماعی را هم انجام دادم.»

می‌پرسیم که با چنین دامنه گسترده‌ای از فعالیت‌ها چه تعهدی در خود احساس می‌کنید؟ و دکتر پاسخ می‌دهد: «تعهد من به دست آوردن مبانی طراحی معماری کشورم است و برای این کار شخصا اقدام می‌کنم و از هیچ دستگاهی هم توقع همکاری و کمک ندارم، در نهایت محصول کار من مثل فونداسیونی است که معماران دیگر می‌توانند ساختمانشان را روی آن بنا کنند. من به جای درددلی که در ابتدای بحث از من خواستید ترجیح می‌دهم به همکارانم پیشنهاد کنم که هرکس در جایگاه خود باید تعهدی نسبت به محکم کردن مبانی معماری کشور خود داشته باشد. کارهایی این چنین بستر فعالیت‌ها و خلاقیت‌ها را در آینده فراهم می‌کند. پس پیشنهاد می‌کنم که در مواجهه با معماری از دیدگاه کمی غافل نشویم و ببینیم که چه تاثیرات شگرفی ممکن است داشته باشد. اگر هر کدامان نسبت به این مساله تعهد داشته باشیم دولت نیز با ما همراه خواهد شد. دیدگاه کمی، دوره گذار از هرج و مرج به سوی نظم در معماری است و پس از رسیدن به این نظم، آیندگان فرصت بیشتری برای پر کردن خلاءها و فضاهای خالی می‌یابند و این سیر خردمندانه‌ای است که اکنون کمتر به چشم می‌خورد!

من پیشنهاد می‌کنم به جای تکیه بر دولت به انجمن‌های صنفی خودمان تکیه کنیم، سازمان نظام مهندسی کشور به عنوان وسیع‌ترین ارگان می‌تواند برای تدوین مبانی معماری موثر باشد.

انجمن صنفی مهندسان صنعت ساختمان، انجمن‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علم و صنعت و ... نیز نباید از قلم بیافتند. شناسایی آثار معماری ایران نیاز به یک هماهنگی و یک کار گروهی وسیع دارد و زمانی که معماری کشور به این مرحله رسید، از یک مجموعه تحت انقیاد مالکان و کارفرماها به یک مجموعه دارای وجهات مستقل تبدیل می‌شود. در این صورت می‌توان سرافرازانه به گذشته نگاه کرد و از گذشته در تداوم آینده بهره جست این مساله‌ای است که در حال حاضر مشکل اصلی ما به شمار می‌آید و این البته یک وظیفه تاریخی در قبال معماری کشور است.»

چند پاراگراف طولانی بدون وقفه صحبت می‌کند و به این جا که می‌رسیم دکمه REC ضبط بالا می‌پرد و دکتر روزرخ با تمام تعهدات و آرزوهایش در همین چند خط خلاصه می‌شود. او از حرکتی حرف می‌زند که جای خالی خیلی‌ها در به ثمر رساندن آن باقی است!